



دعوادر اردوی همبستگی

وقتی کسی در اپوزیسیون مسئولیت شکست طرح‌های براندازانه جنبش مهسارا گردن نمی‌گیرد

۱۸

چهارشنبه۲۷ اردیبهشت۲۰۱۴ • ۲۶ شوال ۱۴۴۱ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۷۳

وقتی چاه‌کن نه چاه افتاد

آنهایی که دنبال ماجراجویی در ایران بودند گرفتار ماجراجویان وطنی شدند

۲۰



همیشه در یک سیاسی



وقتی ربع پهلوی، شورای همبستگی را به خط پایان رساند

شورای فروپاشی

گزارش حمیدرضا بوجاریان خبرنگار

گفته بودند هدفشان ایجاد حکومتی سکولار و دمکراتیک است تا در بستر آن احزاب و جامعه مدنی به انتخاب مردم، به مردم خدمت کنند؛ فرآیندی که هدفش رسیدن به رفاه، آزادی، برابری و سعادت‌مندی ایرانیان است. برای رسیدن به این هدف، منشوری تدوین کردند و برای بهادان

واکنش باز یکنی که در سیاست به‌اوت زد!

وزن شورایی که قرار بود جامعیت بالایی داشته باشد و بتواند همه گروه‌های سیاسی اپوزیسیون را در خود جای دهد، انطوسر که باید و شاید بالا نبود. استفاده از سلبریتی‌ها برای جلب همراهی افکار عمومی گرچه در ابتدا توانست توفیقاتی ایجاد کند، اما حرص و ولع اعضای شورای همبستگی، آنان را قبل از ایجاد این اتحاد به‌ه جان هم انداخت. در روزی که در دانشگاه جورج تاون قرار بود اعضای شورا نشست مطبوعاتی بر گزار کنند، علی کریمی حضور نداشت. حتی ویدئویی هم از پیام خود برای حضار نفر ستاد تا نشان دهد از وضعیت ایجاد شده راضی نیست و اگر نیازهایش تامین نشود، پای کار انقلاب (!) نیست. کریمی که خود را یک قطب اصلی ماجرای جذب طرفدار برای جریان خود خوانده همبستگی می‌دانست، شاید دنبال آن بود از پول‌هایی که به حسابش شورا وارد می‌شد، سهم خودش را بردارد و هزینه‌ای که کرده است را نقد کند. گرایش سلطنت‌طلبانه کریمی می‌توانست موقعیت ربع پهلوی بنیادی در شورای همبستگی طرح شده بود، دلایل عجیبی را بر زبان می‌آورد. «جمهوری خواهان و سلطنت‌طلبان منتصب در این فضا جولان می‌دادند. واکنش سریع و به‌موقعی از سوی اعضای شورا نسبت به این فحاشی‌ها انجام نشد.» لو تلو یحیایه این مسئله اشاره می‌کند که نمی‌تواند فحاشی‌های انجام‌شده را به‌تیزوهای جمهوری اسلامی نسبت دهد: «من مطمئن نیستم که چند درصد از فحاشی‌ها کار جمهوری اسلامی بوده همان اندازه که مطمئن نیستم اعضا می‌خواستند جلوی حلش‌ها را بگیرند.»

نازنین فرار کرد و شیرین، توجیه!

بعداز خروج حامد اسماعیلیون از شورای همبستگی، نازنین بنیادی هم‌رفتن را به‌مدن ترجیح داد. شیرین عبادی، از نویسندگان اولیه منشور مهساواز اعضای شورای همبستگی در پاسخ به سوالات زیادی که درباره چرایی رفتن و نماندن بنیادی در شورای همبستگی طرح شده بود، دلایل عجیبی را بر زبان می‌آورد. عبادی دلیل کناره‌گیری نازنین بنیادی از این شورا را «فحاشی در فضای مجازی» به بنیادی اعلام می‌کند. هنگامی که عبادی با این پرسش رویه‌رو شد که چطور ناتوان از مدیریت این موضوع بودید اما می‌خواستید جمهوری اسلامی را براندازی کنید؟ به موضوع قابل توجهی اشاره می‌کند و می‌گوید: «جمهوری خواهان و سلطنت‌طلبان منتصب در این فضا جولان می‌دادند. واکنش سریع و به‌موقعی از سوی اعضای شورا نسبت به این فحاشی‌ها انجام نشد.» لو تلو یحیایه این مسئله اشاره می‌کند که نمی‌تواند فحاشی‌های انجام‌شده را به‌تیزوهای جمهوری اسلامی نسبت دهد: «من مطمئن نیستم که چند درصد از فحاشی‌ها کار جمهوری اسلامی بوده همان اندازه که مطمئن نیستم اعضا می‌خواستند جلوی حلش‌ها را بگیرند.»

بیشتر به آن نامش را «منشور مهسا» گذاشتند تا تعداد بیشتری را به‌خود جلب کند. اما چهره‌هایی که منشور مهسا را نوشته و منتشر کردند، چه کسانی بودند؟ اعضای «شورای همبستگی» نخستین‌بار تشکیل این شورا را روز ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ و با برگزاری نشست خبری در دانشگاه جورج تاون شهر واشنگتن، اعلام کردند. اعضای این شورا حدود یک ماه پس از این تاریخ و در ۱۹ اسفندماه سال گذشته، متنی را منتشر کردند با عنوان «منشور همبستگی و سازماندهی برای همبستگی» که ارزش‌های بنیادین این گروه را بازتاب می‌داد و مدعی بود در پی تشکیل کمیته‌هایی

است تا جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» سازمان یابد. اعضای این شورا در روز ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ شامل رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی، عبدالله مهندی، گلشیفته فراهانی، شیرین عبادی و علی کریمی بودند. با این حال، هم‌زمان با انتشار متن منشور مهسا در نوزدهم اسفندماه، نام گلشیفته فراهانی و علی کریمی به‌عنوان امضاکنندگان این منشور ذکر نشد تا نخستین‌اخر اچ‌جی‌ها از شورای همبستگی رقم بخورد. در این گزارش به سابقه شکل‌گیری منشور مهسا، شورای همبستگی و اعضای اشکل‌دهنده آن پرداخته‌ایم.

«همیم» مثل گلشیفته!

حذف کریمی از سوی اسماعیلیون خشم پهلوی را برانگیخت. پهلوی که به‌گفته «روح‌الله» شب‌ها از آتش خیالی‌اش «سان» می‌دید، با احساس خطر از اینکه در همبستگی حامی ندارد و سلطنتش در خطر است، شش‌ساز را از رو بست. حذف «گلشیفته فراهانی» بهترین گزینه برای چنگ و دندان نشان دادن به اسماعیلیون بود. سابقه مارکسیستی گلشیفته بهانه خوبی بود که پهلوی زمینه را برای «هر صحر کردن» او از شورا فراهم کند تا بازی یک – یک میان طرفداران سلطنت و جمهوری خواهان عضو ادامه یابد.

اصل ماجرای دعوای رضا با حامد

در چارچوب ائتلاف همبستگی، پهلوی خواستار جایگاهی فراتر از سایرین بود. او تلاش می‌کرد جایگاه خود را در شورا و میان دیگر اعضا برجسته‌تر کند و به این دلیل رویکرد تریب نیکوهای طرفدار خود به شورای همبستگی را در دستور کار قرار داد. در خواسات وی برای ورود چهره‌های مورد نظرش به شورای اپوزیسیون از سوی دیگر اعضای شورا، به‌خصوص اسماعیلیون مورد قبول واقع نشد تا پهلوی در اواخر فروردین‌ماه گلابه‌های خود را از شورای همبستگی آشکار کند و طیف طرفدارانش با حملاتی سهمگین به‌دیگر اعضای شورای همبستگی تالش کنند تا «گره‌برآمد حمله بکشند». البته پیش‌تر مسائلی مانند حمایت اسماعیلیون از خانواده‌اعضای گروه‌کثرت‌وریستی «مجاهدین خلق» افتراق میان‌وی و پهلوی را آشکار ساخته بود. در این دعوا، منافقین با انتشار متنی منتسب به سرکرده خود با عنوان «ره‌ماندگی بچه‌شاه از «سلطنت‌انحالی» تا «فراسوس» سلطنت و جمهوری» تاجایی که توانستند به پهلوی تاختند. در مقابل هم «پاسمن پهلوی» همسر رضا پهلوی در توییته ضمن ایراز ناخرسندی از اسماعیلیون به‌خاطر آنچه «دادخواهی خانواده مجاهدین» می‌خواند، خواستار تمرکز بر «فرآینابان انقلاب مهساامنی» شد. سفر ده‌ماهه‌گانه ربع پهلوی به‌سرزمین‌های اشغالی هم بر آتش خشم اقدامات سرخودشازده پهلوی در شورای همبستگی افزود و کار را به جایی رساند که طیف‌های داخل شورا علیه هم موضع‌گیری کنند.

پایان ربع پهلوی در شورای همبستگی

باخروج تعداد زیادی از اعضای شورای به‌اصطلاح همبستگی که دلیل اصلی آن روحیه خودکامه ربع پهلوی بوده است، کم‌کم، وجود این شورا و موجودیت آن زیر سؤال رفته‌است. تبلیغات وسیع درباره شورای همبستگی در برخی رسانه‌ها، اقدامات تبلیغی در دینار باس‌ران برخی کشورها که کیفیت آن نامشخص است و کسی درباره سودان برای انقلاب(در حال وقوع چیزی نمی‌داند و نیز برگزاری نشست‌های مختلف با صرف هزینه‌های سنگین لجستیکی و اداری با خروجی «تقریبا هیچ» ربع پهلوی را به این نتیجه رسانده است که به فکر کار کردن با گروه‌های سیاسی دیگر بقیقت تا شاید بتوانند تاج و تختی را که ازرو دارد و آن را ارث پدری‌اش می‌داند، به هر روش و شیوه‌ای که ممکن است زنده کند. برای پهلوی این مهم نیست که چه کسی یا کدام گروه جریان سیاسی یا حتی کشور خارجی می‌تواند او را در رسیدن به این هدف کمک کند، بلکه این مهم است که تازمانی که هنوز فرصت لندن‌تردن از پادشاهی را دارد(!) بتواند به این‌مقام برسد و تاکام از دنیا برود. برای رسیدن به این هدف اگر لازم‌باشد دیندار باس‌ران گروهک منافقین نیز راهی است که می‌توان آن را ازموعد.

وقتی اسماعیلیون شازده را متهم می‌کند!

طرفداران جریان‌های مختلف ضدانقلاب چه آنها که در داخل شورا نماینده داشتند و چه آنهایی که نماینده‌ای در شورای همبستگی نداشتند، با یکدیگر درگیر بودند و این سبب خروج برخی اعضاا شورا شد. دلیل این خروج را کسی بهتر از «حامد اسماعیلیون» نمی‌توانست افشا کند. دوم اردیبهشت‌ماه بود که او با انتشار متنی از کناره‌گیری‌اش از شورا خبر داد. او ربع پهلوی را عامل طلق شدن طاقتش و خروج از شورا معرفی و می‌گوید: «قرار بود ما کمیته‌های مختلف و مشخصی را برای هر اقدامی ایجاد کنیم. اگر قرار بود برویم و با کشورهای خارجی مذاکره کنیم، این کار باید با تصمیم جمعی و در قالب کمیته‌هایی که شکل می‌دادیم انجام می‌شد، اما این نشد.» او توضیح بیشتری درباره چرایی این «شد» ارائه می‌کند: «این خواسته‌ها اصلا حرف‌من‌تنهانبود. اکثر قریب به اتفاق اعضا این نظر را داشتند اما آقای پهلوی مقاومت می‌کرد.» انجان به‌تکروی پهلوی در شورا اما تنها محدود به این موضوع نبود: «بحث‌های داخلی جمع به خارج از شورا منتقل می‌شد. آقای پهلوی در توییت‌هایی حرف‌هایی که قرار نبود به بیرون شورا برود مطرح کرد.» اسماعیلیون به‌فشار پهلوی برای وارد کردن برخی افراد به‌داخل شورا اشاره می‌کند و این موضوع را خالف متنی شورای همبستگی می‌داند: «سازوکاری برای اضافه کردن ابتدا گروه‌ها و افراد تازه نداشتیم. حتی درباره این موضوعات هم فکر نکرده بودیم اما اواصر داشت این افراد اضافه شوند.» مشکلاتی که اسماعیلیون درباره آن حرف می‌زند شورا را تا مرز انحلال برد. او در توییت خود نوشت: «از ابتدا مشکلات و موانع در راه سازماندهی و طراحی و اجرای طرح‌های عملی در گروه سر بر آوردند.» و اعتراف کرده که عملا هیچ‌گاه همبستگی شکل نگرفت که حال خواهد فریب و پاشد.

مهندی ماندو حوضش!

روپای ایجاد کشور کردستان را می‌توان در اظهارات و رفتارهای یکی از اعضای شورای به‌اصطلاح همبستگی دید. عبدالله مهندی، دبیر حزب تروریستی کومله در جمع هواداران خود می‌گوید: «از دیدگاه من امر مبارکی است که بگویم شرق کردستان بزرگ اما دوست دارم این را نیز بگویم که کیفیت آن نامشخص است و امروز تعیین می‌کنیم برمی‌گردد به کردستان شرقی یعنی کردستانی که در ایران قرار دارد. من بر این باور هستم که بیشتر اطرافیان رضا پهلوی فاشیست هستند و این را بارها هم گفته‌ام. هر زمان که لازم باشد با هم به اطرافیان پهلوی حمله می‌کنم. در منشوری که در گردهمایی جورج تاون رونمایی شد، کلمه تمامیت ارضی و حفظ آن در منشور نیست و از این مورد که نباید تمامیت ارضی در منشور باشد، کوتاه نیامده‌ام.» تلاش مهندی از سوی هیچ‌یک از اعضای شورای همبستگی با واکنش‌وی رویه‌رو نشد. سکوت مهندی با وجود ریزش ۵۰ درصدی اعضای شورای همبستگی شاید جدا از ضعف او در بیان دیدگاه‌هایش ناشی از آن باشد که او امیدوار است بتواند رویای کشور کردستان را عملی یا منشور مهسا کند.

کنته

ائتلاف شتر، گاو، پلنگ

یک ائتلاف شستر، گاو، پلنگسی که هیچ‌گاه نتوانست خواسته مردم ایران را نما یبندگی کند و باوجود آنکه شعارشان دمکراسی و آزادی بود، اما نسخه‌شان برای مردم و ایران، جنگ، تحریم و تجزیه بود. لکه سیاه این همبستگی نیز سفر رضا پهلوی به سرزمین‌های اشغالی بود که اختلاف میان جمع گردآمده در شورای همبستگی را آشکار کرد. پهلوی در سفر به تل‌آویو قصد داشت تفاوت خود را با دیگر اعضای شورای همبستگی نشان دهد و جایگاه خود را فراتر از دیگر گروه‌ها و چهره‌های اپوزیسیون بالا بیاورد. اما نه تنها نفوذش افزایش نیافت، بلکه موجب آ‌هم‌پاشیدگی همین ائتلاف نصفه‌نیمه شد که نخستین‌بازخورد آن، جدایی «حامد اسماعیلیون» از شورای همبستگی بود.

تلاش برای

اردوگاه سرمایه‌داری و استعماری با همه توان سیاسی خود، با همه قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه شبکه‌های تبلیغاتی خود، دارد فشار می‌آورد تا شاید بتواند ملت ایران را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم‌کننده‌نه فقط از حق هسته‌ای –حق هسته‌ای یکی از حقوق ملت ایران است – بلکه می‌خواهند ملت ایران را از حق عزت‌ش، از حق استقلال‌ش، از حق قدرت تصمیم‌گیری‌اش و از حق پیشرفت علمی‌اش، وادار به عقب‌نشینی کنند. ملت ایران امروز در جاده پیشرفت علمی و پیشرفت فناوری افتاده‌ومی‌خواهد ۲ قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاغوت‌ها، جبران کند. اینها دست‌یاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملت ایران – که در این نقطه حساس دنیا قرار گرفته است و به‌عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده – به این توفیقات دست پیدا کند! لذا فشار می‌آورند. اما ملت ایران ایستاده است.

۱۴ خرداد ۱۳۸۱

اردوگاه سرمایه‌داری و استعماری با همه توان سیاسی خود، با همه قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه شبکه‌های تبلیغاتی خود، دارد فشار می‌آورد تا شاید بتواند ملت ایران را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم‌کننده‌نه فقط از حق هسته‌ای –حق هسته‌ای یکی از حقوق ملت ایران است – بلکه می‌خواهند ملت ایران را از حق عزت‌ش، از حق استقلال‌ش، از حق قدرت تصمیم‌گیری‌اش و از حق پیشرفت علمی‌اش، وادار به عقب‌نشینی کنند. ملت ایران امروز در جاده پیشرفت علمی و پیشرفت فناوری افتاده‌ومی‌خواهد ۲ قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاغوت‌ها، جبران کند. اینها دست‌یاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملت ایران – که در این نقطه حساس دنیا قرار گرفته است و به‌عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده – به این توفیقات دست پیدا کند! لذا فشار می‌آورند. اما ملت ایران ایستاده است.

۱۴ خرداد ۱۳۸۱

تلاش برای

۱۴ خرداد ۱۳۸۱

تلاش برای

۱۴ خرداد ۱۳۸۱

ائتلاف‌های بی‌نام و نشان

اینکه جمهوری اسلامی برای بی‌اثر کردن گروه‌های مخالف در شبکه‌های اجتماعی فعالیت کند، یک متمرکز کاری است که دهد، اما سواال اینجاست که چطور گروهی که در برابر بحث‌ها و حتی اتهامات شبکه‌های اجتماعی دوام نمی‌آورد قرار بود به آلت‌رنا تیکو بی‌حاکمیت تبدیل شود؟ شیرین عبادی عامل پایان شورای همبستگی را اعلام کرده

شیرین عبادی عامل پایان شورای همبستگی را اعلام کرده گفته با این حال چندین گروه بزرگ و پرسابقه‌تر از این شورا با هم ائتلاف کرده‌اند و مشغول کارند. او ائتلاف شوروی گذار، شوروی تصمیم‌گیر، مشروطه ایران را در حال حاضر مهم‌ترین گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌داند که مجموعاً ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر حضور دارد. ائتلافی که شیرین عبادی از آن حرف می‌زند، در واقع میان ۳ گروه مخالفان جمهوری اسلامی شکل گرفته که وزن هیچ‌کدام از آنها (و جمع ۳ تایی‌شان) به اندازه‌ای نیست که حتی نامشان را شنیده باشید.

او ائتلاف شوروی گذار، شوروی تصمیم‌گیر، مشروطه ایران را در حال حاضر مهم‌ترین گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌داند که مجموعاً ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر حضور دارد.

ائتلافی که شیرین عبادی از آن حرف می‌زند، در واقع میان ۳ گروه مخالفان جمهوری اسلامی شکل گرفته که وزن هیچ‌کدام از آنها (و جمع ۳ تایی‌شان) به اندازه‌ای نیست که حتی نامشان را شنیده باشید.

او ائتلاف شوروی گذار، شوروی تصمیم‌گیر، مشروطه ایران را در حال حاضر مهم‌ترین گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌داند که مجموعاً ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر حضور دارد.

ائتلافی که شیرین عبادی از آن حرف می‌زند، در واقع میان ۳ گروه مخالفان جمهوری اسلامی شکل گرفته که وزن هیچ‌کدام از آنها (و جمع ۳ تایی‌شان) به اندازه‌ای نیست که حتی نامشان را شنیده باشید.

بازگشت به اصل!

فاصله کمتر از ۲ روز از نشست جورج تاون، تجمع هواداران منافقین در پاریس، حضور عنصر سفاهی چون پرویز نائینی در گردهمایی پهلوی نیز زد و خورد‌های مشترک با دیدن تماشای جمهوری اسلامی به کمک مجرت و این تماشای تفرق جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب‌نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

۹ تیر ۱۳۹۷

با وجود همه آنچه انجام گرفته است در این ۳ دهه؛ توطئه‌های گوناگون، از مذبذگری‌ها و توطئه‌های براندازی و کودتا که در سال‌های اول، دهه اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه‌های به‌اصطلاح نرم از بعد از دهه اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز، ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته و لایق باقی ماندن است؛ با قدرت ایستاد. بعد از این هم حوادث گوناگون عالم نخواهد توانست این سفر پهلوی به تل‌آویو بازگشت اسماعیلیون نزد فرقه تروریستی منافقین، برده از حقیقتی برمی‌داند که طراحان جنگ ترکیب علیه ایران ماه‌هاست به‌دنبال پنهان‌سازی آن بوده‌اند؛ حقیقتی به نام سوریه‌سازی ایران که در لای شعارهای به‌اصطلاح حقوق بشری و حمایت از زنان زند، نمی‌تواند آسیب‌بزند. شده است.

۱۴ آذر ۱۳۸۷

رهبری

نگاه رهبری به دشمنان

انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی در باره رویکرد‌های معاندین علیه انقلاب اسلامی با روشنگری و ظرافت و تکالیفی را بر عهده مسئولان و مردم گذاشته‌اند که در ادامه به بخشی از مهم‌ترین فراز‌های این سخنان پرداخته‌ایم.

هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به‌وجود آورد و گذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خط اشاره انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیزم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. علت اینکه شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند همین بود.

۱۴ خرداد ۱۳۸۱

اردوگاه سرمایه‌داری و استعماری با همه توان سیاسی خود، با همه قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه شبکه‌های تبلیغاتی خود، دارد فشار می‌آورد تا شاید بتواند ملت ایران را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم‌کننده‌نه فقط از حق هسته‌ای –حق هسته‌ای یکی از حقوق ملت ایران است – بلکه می‌خواهند ملت ایران را از حق عزت‌ش، از حق استقلال‌ش، از حق قدرت تصمیم‌گیری‌اش و از حق پیشرفت علمی‌اش، وادار به عقب‌نشینی کنند. ملت ایران امروز در جاده پیشرفت علمی و پیشرفت فناوری افتاده‌ومی‌خواهد ۲ قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاغوت‌ها، جبران کند. اینها دست‌یاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملت ایران – که در این نقطه حساس دنیا قرار گرفته است و به‌عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده – به این توفیقات دست پیدا کند! لذا فشار می‌آورند. اما ملت ایران ایستاده است.

۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۷

می‌گویند کشور دارد به قهقرا می‌رود! چه قهقرا؟ چرا؟ بعضی گفتند که جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده؛ خبر اگر ما به بن‌بست رسیده‌ایم، چرا دشمن این قدر خرج می‌کند که ما را به زمین بزند؟ خوب ملتی که، حکومتی که به بن‌بست رسیده، دیگر زمین زدنش که خرج نمی‌خواهد، خودش زمین می‌خورد. در دنیا میلیاردها دلار دارند خرج می‌کنند! بسیاری از کشورهایی که پولی دارند، ثروتی دارند و برخلاف جهت ملت ایران حرکت می‌کنند، دارند خرج می‌کنند تا جمهوری اسلامی را منحرف کنند؛ به زبان هم می‌آورند، تصریح هم می‌کنند. چرا می‌کنند؟ اگر ما به بن‌بست رسیده بودیم، اگر ما داشتیم از پا می‌افتادیم – همانطور که بعضی‌ها می‌خواهند وانمود کنند– احتیاج نبود که آنها این همه پول خرج کنند.

۲۶ بهمن ۱۴۰۱

۳ جریان معارض از روز اول انقلاب در مقابله با انقلاب اسلامی و حرکت امام بزرگوار مان پیدا شدند؛ یک جریان، جریان به‌اصطلاح لیبرال متمایل به غرب و آمریکا و دلبسته آمریکا و غرب بودند، یک جریان، کمونیست‌های اسلحه‌به‌دستی بودند که از هیچ‌چیز انا نداشتند و پرهیز نمی‌کردند؛ یک جریان دیگر، منافقینی بودند با ظاهر اسلامی و باطن خُبث کفر و بی‌هویت که حتی حاضر شدند بروند زیر پرچم صدام بنام سپه‌بزنند و آنجا بایستند و آواز او آستفاده کنند. اینها ۳ جریان اساسی بودند در این کشور هر ۳ جریان مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند و حالا با تملق به قدرت‌ها، با خبرچینی و دادن خدمات جاسوسی به دولت‌هایی امثال فرانسه، انگلیس، آمریکا و مانند دیگر، زیر سایه آنها استفاده می‌کنند. یک جریان هم البته جریان متحجر و مرتجع داخلی بود که آن هم به نوع دیگری در مقابل انقلاب و در مقابل حرکت انقلاب می‌ایستادند و مزاحمت می‌کردند که آنها البته خیلی قابل ذکر و قابل توجه نبودند و ملت از آنها عبور کرد؛ جریان مزاحم ارتجاع و متحجر و بدین تماشای جمهوری اسلامی به کمک نیز زد و خورد‌های مشترک با دیدن تماشای تفرق جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب‌نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

فاصله کمتر از ۲ روز از نشست جورج تاون، تجمع هواداران منافقین در پاریس، حضور عنصر سفاهی چون پرویز نائینی در گردهمایی پهلوی نیز زد و خورد‌های مشترک با دیدن تماشای جمهوری اسلامی به کمک مجرت و این تماشای تفرق جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب‌نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

۹ تیر ۱۳۹۷

با وجود همه آنچه انجام گرفته است در این ۳ دهه؛ توطئه‌های گوناگون، از مذبذگری‌ها و توطئه‌های براندازی و کودتا که در سال‌های اول، دهه اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه‌های به‌اصطلاح نرم از بعد از دهه اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز، ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته و لایق باقی ماندن است؛ با قدرت ایستاد. بعد از این هم حوادث گوناگون عالم نخواهد توانست این سفر پهلوی به تل‌آویو بازگشت اسماعیلیون نزد فرقه تروریستی منافقین، برده از حقیقتی برمی‌داند که طراحان جنگ ترکیب علیه ایران ماه‌هاست به‌دنبال پنهان‌سازی آن بوده‌اند؛ حقیقتی به نام سوریه‌سازی ایران که در لای شعارهای به‌اصطلاح حقوق بشری و حمایت از زنان زند، نمی‌تواند آسیب‌بزند. شده است.

۱۴ آذر ۱۳۸۷